فتوح البلدان
فرهنگ‌نامه جغرافیای تاریخی

● رحیم شبانه
کارشناس ارشد تاریخ

اشاره: *بعد از کتاب‌های سیره و مغازی که به تاریخ زندگانی نبی مکرم اسلام(ص) پرداخته‌اند، از قرن دوم هجری مورخان مسلمان به نوشتن کتاب‌هایی درباره‌ی فتوحات اسلامی پرداختند. کتاب فتوح البلدان بلاذری هرچند درباره‌ی تاریخ فتوحات مسلمانان نوشته شده، در عین حال منبع کاملی جهت شناخت تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیای تاریخی در اواخر عصر ساسانی و دوره‌های اولیه اسلامی است.*

شرح حال مؤلف

ابوجعفر احمدبن یحیی‌بن جابربن داود معروف به بلاذری یا به قول ابن‌ندیم بلادری، از مردم بغداد بود. جدش نزد عامل خراج مصر به کار کتابت مشغول بود. برخی او را عرب و گروهی ایرانی می‌دانند[۱]. تولد او را در اواخر قرن دوم هجری در بغداد نوشته‌اند. سال وفاتش را ۲۷۹هـ ق. می‌دانند. او در دربار متوکل و المستعین بالله و المعتز مقام داشت. در اواخر عمر (شاید بر اثر فقر) محلول حب بلاذر (تمر بلادر) anacardia نوشید و دیوانه شد. او را به بیمارستان بردند و همان‌جا وفات یافت، به همین جهت پس از مرگ به بلاذری معروف شد. اما جهشیاری در کتاب الوزراء، بلاذری را نام نیای او می‌داند.[۲]

بلاذری شاعر، راوی و نسابه بود و به قول ابن‌ندیم از «هجو کردن زیاد خودداری نداشت.» استاد او در تاریخ ابن سعد بود که از طریق او روایات واقدی را در فتوح گرد آورد. از دیگر اساتید او می‌توان مدائنی و در علم انساب از عباس‌بن هشام نام برد. در امر باج و خراج از قاسم‌بن سلام و در نقود از محمدبن سعد و داود ناقد مطلب فرا گرفت. او به منابع فارسی نیز دست‌رسی داشته است. از شاگردان بلاذری افرادی چون وکیع قاضی و جعفربن قدامه را می‌توان نام برد. ابن‌ندیم کتاب‌هایی همچون *کتاب البلدان الصغیر*، *کتاب البلدان الکبیر*، *کتاب الاخبار والانساب* و *کتاب عهد اردشیر* را که به شعر ترجمه کرده از او می‌داند.[۳] امّا مهم‌ترین کتاب‌هایی که از بلاذری به دست ما رسیده یکی *انساب الاشراف* و دیگری همین کتاب *فتوح البلدان* است.

فتوح البلدان

سال نگارش کتاب را ۲۵۵هـ نوشته‌اند. آن را موثق‌ترین و شامل‌ترین کتب فتوح می‌دانند که به دست ما رسیده است.[۴] نخستین کسی که به چاپ کتاب فتوح البلدان اقدام کرد، خاورشناس هلندی دخویه بود. او در سال ۱۸۶۶م. در لیون آن را تحت این عنوان منتشر کرد:[۵]

Liber expugnationis regionum

این کتاب به صورت یک نوع فصل‌بندی خاص باب‌بندی شده است. در هر بابی در رابطه با فتح کلی یک ایالت صحبت شده است. مثلاً بر اساس ترجمه آقای آذرنوش، باب اول در ارتباط با سواد (عراق) است. پس کلیه مطالبی را

که مربوط به این سرزمین است در ابواب متعدد و پشت سر هم بیان کرده است. اولین خبر از زمان خلافت ابوبکر یعنی حرکت‌های مثنی‌بن حارثه‌بن سلمه‌ی‌بن ضمضم شیبانی شروع می‌شود.

انگیزه نویسنده: در واقع انگیزه نویسنده فتوح البلدان همان انگیزه‌ی نویسندگان دیگر فتوح بوده است. این گونه کتب با دو انگیزه کلی نوشته شده‌اند. یک اطلاع از شجاعت‌ها و رشادت‌های افراد و قبایل در جریان فتوح به‌ویژه با انگیزه‌های قومی و رقابت‌های قبیله‌ای. دوم نیاز به ایجاد قوانین مالیاتی و خراج و اینکه فلان سرزمین به صلح گشوده شده یا به جنگ، برای مشخص کردن قوانین و احکام فقهی آن‌ها.

منابع بلاذری در نوشتن کتاب فتوح البلدان: بلاذری در نوشتن این کتاب از همه‌ی منابع پیش از خود بهره گرفته است. برخی از راویان او کسانی هستند که بلاذری خود مستقیماً مطلب را از آن‌ها شنیده است. کسانی چون: ابونصر تمّار، حسین‌بن اسود، ابوعبیده قاسم‌بن سلام، عبدالله‌بن صالح و... اما او برخی از روایات را از کتب و اسناد راویان ذکر می‌کند، از جمله این راویان می‌توان: ابومخنف، ابو مسعود کوفی و... در برخی موارد آورده که فلانی از شیوخ خویش یا فلان شهر چنین آورده، بسیاری از راویان بلاذری ایرانی و از موالی هستند، که اخبار را به نقل از پدران‌شان نقل می‌کنند. در مواردی می‌نویسد: راوی گوید، بدون اینکه نام او را ذکر کند. یا می‌نویسد فلانی از جمعی از ثقات روایت کند. گاهی روایتی از یک راوی مشهور می‌گوید، اما بعد از آن مطلبی را که از قول شخص دیگری شنیده می‌آورد، و می‌نویسد کسی جز فلانی (همان راوی مشهور) گوید. برای نمونه در باب دوم می‌نویسد: کسی جز ابومخنف گوید.[۶] بلاذری تنها به ذکر نام راوی خود قناعت نکرده بلکه راوی راوی خود را نیز نام برده است. در مواردی راوی راوی او می‌گوید: شنیدم، اما نمی‌گوید از چه کسی آن را شنیده است. بلاذری با مسافرت به شهرها مطالب را از افراد مطلع فرا گرفته. اما نام این افراد را نیاورده و صرفاً نوشته: اهل فلان دیار یا پیروان فلان شهر یا غیره... گویند.

تا پیش از بلاذری و از جمله در زمان مدائنی (که بلاذری از او زیاد نقل قول می‌کند.) نوشتن تاریخ شکل خاصی نداشت و هر خبری به همان شکل اولیه ذکر می‌شد. اما بلاذری روایات پراکنده‌ی این افراد را طبقه‌بندی نمود و با توجه به سیر زمانی فتوحات در کتاب خود آورد. او در آغاز هر رویداد مهم سعی دارد، دستورات و اخباری را که مربوط به آن رویداد است و از مرکز خلافت صادر شده بیاورد و بعد به اصل رویدادها بپردازد، چنانکه درباره‌ی جنگ قادسیه اول به نامه‌ی سپاهیان مسلمان به خلیفه و پاسخ او به آن‌ها، می‌پردازد و بعد بقیه رویدادهای واقعه‌ی قادسیه را نقل می‌کند.

شاید بلاذری یکی از معدود منابعی باشد که به اختلاف بین سران اسلام در مدینه بر سر انتخاب فرمانده پیش از جنگ قادسیه اشاره کرده است. ماجرایی که حتی باعث شد خلیفه خود تصمیم بگیرد به عنوان فرمانده به میدان جنگ با ایرانیان برود. می‌نویسد: عباس عموی پیامبر و گروهی از صحابه، خلیفه را به ماندن در مدینه ترغیب می‌کردند. در صورتی که علی(ع) او را به رفتن اشارت فرمود.[۷] این در حالی است که منابع دیگر گوشزد می‌کنند که علی (ع)، طلحه و عبدالرحمان‌بن عوف از خلیفه خواستند که در مدینه بماند.[۸]

از نوشته‌های بلاذری به خوبی می‌توان به جامعه‌شناسی مردم کوفه پی‌برد، اینکه عمربن خطاب هر امیری را که به کوفه می‌فرستاد به طریقی مورد اعتراض مردم این شهر قرار می‌گرفت.

نویسنده نام والیان مسلمان و تغییرات سریع آن‌ها را ذکر می‌کند. اما در بیشتر موارد علت این تغییرات سریع را بیان نمی‌کند. برای مثال در فاصله فتح آذربایجان در سال ۲۰ هجری تا پایان خلافت خلیفه دوم یعنی سال ۲۳ هـ در طول کمتر از سه سال، چهار بار والی این سرزمین تغییر کرد. چنانکه نخست سعد و سپس عمار و بعد مغیره و دو باره سعد از طرف مدینه حکومت آنجا را داشتند.[۹]

فتوح البلدان یکی از بهترین منابع جهت شناخت سیر مهاجرت قبایل عرب و سکونت آنها در مناطق مختلف ایران از جمله آذربایجان، خوزستان،کرمان، قم، خراسان و سیستان... است. از دلایل اصلی این مهاجرت‌ها بهره‌گیری از زمین‌های فتح شده بود که به عنوان سهم به جنگجویان مسلمان واگذار می‌شد. دلیل دیگر به دست آوردن پایگاهی برای ادامه فتوحات بوده است. بلاذری نشان می‌دهد که در زمان یزدگرد سوم در اوج حملات مسلمانان به ایران چگونه اختلافات بین یزدگرد و مرزبانان کشور از جمله ماهویه مرزبان مرو، شهریار سیستان، نیزک طرخان، و شاهان داخلی دیگر ایران بالا گرفته بود و این عوامل مانع از یک جبهه‌گیری واحد علیه مسلمانان شد.

توجه به آمار و ارقام و مشخص کردن تعداد جمعیت، و مالیات هر منطقه از مزیت‌های این کتاب است.حتی گاهی وارد جزئیات دقیقی از این ارقام شده، چنانکه درباره‌ی جمعیت حیره می‌نویسد: مردان حیره شش هزار تن بودند،

این کتاب در ثبت تاریخ اقتصادی اواخر عصر ساسانی و اوایل دوره‌ی اسلامی اهمیت دارد و منبع اصلی برای کتاب‌هایی چون «مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام» دانیل دنت و کتاب «خراج و نظام‌های مالی و دولت‌های اسلامی« ضیاءالدین الریس بوده است

فتوح البلدان

فتوح البلدان یکی از بهترین منابع جهت شناخت سیر مهاجرت قبایل عرب و سکونت آن‌ها در مناطق مختلف ایران از جمله آذربایجان، خوزستان،کرمان، قم، خراسان و سیستان... است

فتوح البلدان

که خالدبن ولید ۱۴درهم بر هریک جزیه تعیین کرد. هر درهم پنج مثقال وزن داشت. نوع مالیات زمین با نوع کشت متفاوت بوده است. چنانکه هر جریب نخلستان ده درهم، هر جریب تاکستان ده درهم، هر جریب کشتزار نیشکر ۶ درهم، بر هر جریب گندم‌زار ۱۴درهم و هر جریب جوستان دو درهم خراج تعیین شد.[۱۰] بلاذری همچنین اصطلاحات خاص مربوط به خراج مانند قفیز که غله خراج بود، را مطرح کرده، او واحدها و اوزانی چون صاع، عشری، استان، ذراع، گزی، رطل، قیراط و جریب را به فراوانی به کار برده است. همین‌طور نشان می‌دهد که در فتوحات اولیه جزیه یا مالیات به افراد تعلق می‌گرفته یا به زمین‌های آن‌ها، چراکه این موضوع از نظر فقهی مهم بوده است.

نویسنده میزان مالیات‌های یک منطقه را در طول دوره‌های مختلف ذکر نموده که با مقایسه آن‌ها می‌توان به رشد یا رکود اقتصادی یک ناحیه پی‌برد. او به نوع زمین‌های هر منطقه و سرنوشت آن‌ها به‌ویژه در سواد (عراق) اشاره دارد. برای مثال بیشه‌ها و مرداب‌ها یا زمین‌های متعلق به شاهان ساسانی که این‌گونه زمین‌ها به نام خلافت تصاحب می‌شد. همچنین نشان می‌دهد که در هر منطقه چه محصولاتی به عمل می‌آمد در سواد محصولات متنوعی همچون گندم و جو، شبدر، پنبه، خرما، ماش، انگور و کنجد تولید می‌شد.

بلاذری به کارهای عمرانی حجاج‌بن یوسف ثقفی توجه خاص دارد و به احداث شهرها و حفر نهرها و به علاقه این امیر سفاک اموی به آبادانی شهرها اشاره دارد. او در این کتاب یک فصل کامل را هم به نقود یا سکه‌های رایج در اوایل دوره‌ی اسلامی اختصاص داده است. لذا کتاب در مبحث سکه‌شناسی هم اهمیت دارد. این کتاب در ثبت تاریخ اقتصادی اواخر عصر ساسانی و اوایل دوره‌ی اسلامی اهمیت دارد و منبع اصلی برای کتاب‌هایی چون *«مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام»* دانیل دنت و کتاب *«خراج و نظام‌های مالی و دولت‌های اسلامی«* ضیاءالدین الریس بوده است.

بلاذری سعی دارد درباره‌ی هر مکان، طایفه و شخصی تمام اطلاعات خود را به اختصار بیان کند. به‌ویژه متوجه است که اگر این اطلاعات و سوابق به طریقی به مرکز خلافت در مدینه یا به زمان حیات پیامبر یا به طریقی به خلفا ربط پیدا کند، تمام و کمال آن را بیاورد. از این طریق می‌توان بسیاری از موالی، و خاندان‌های بزرگ عرب را شناخت. موالی کسانی بودند که او آن‌ها را از فرزندان افرادی می‌داند که در جنگ‌های عصر فتوح اسیر شده بودند.[۱۱] وقتی از قبیله‌ای صحبت می‌کند به انساب آن نیز توجه دارد و وجه تسمیه آن را بیان می‌کند. او چون خود نسب‌شناس بود، در ذکر نام افراد و اشخاص سعی تمام دارد. حتی روایات متعدد درباره‌ی نسب یک فرد او را خسته‌نمی‌کند.

فتوح البلدان یکی از معدود منابعی است که به سرنوشت اساوره عهد ساسانی و اقوامی چون زُطّ، سیابجه، اندغار و مید اشاره دارد. اساوره هسته‌ی اصلی سپاه ساسانی بودند که برخی از آن‌ها بدون جنگ تسلیم مسلمانان شدند. به نظر می‌رسد سیابجه، زُطّ و اندغار هر سه قوم از هند به ایران آمده باشند. این اقوام بعد از تسلیم شدن اُسواران (اساوره) با همان شرایط اُسواران بصره تسلیم مسلمانان شدند.[۱۲] میدها نیز از اقوام هندی بودند که در مرزهای اطراف سند پراکنده بودند و مسلمانان با آن‌ها جنگ‌هایی داشته‌اند.

مؤلف فتوح البلدان اخبار و اطلاعات فراوانی از اختلافات داخلی اعراب یمانی و نزاری دارد. آن‌ها این اختلافات را همراه خود تا مرزهای هند و خراسان بردند. در اواخر عهد اموی این اختلافات شدت بیشتری به خود گرفت. بلاذری با ذوق و سلیقه‌ای که داشته حتی از ضرب‌المثل‌های رایج در بین قبایل عرب و علت پیدایش آن‌ها صحبت می‌کند. از جمله این ضرب‌المثل که: «چو خوش است امیری حتی اگر بر سنگ پاره باشد» علت پیدایش آن را زمانی می‌داند که زیاد خواست در حیاط مسجد کوفه ریگ بریزد گروهی را به این کار گماشت.[۱۳]

نویسنده شرایط تسلیم شدن شهرهای مختلف را در برابر سپاه اسلام بیان می‌کند. برخی از این شرایط نکات جالبی دارند. همانند شرایط اهل شیز در آذربایجان: این‌که آن‌ها را از رقص و پای‌کوبی در روزهای عید و انجام دیگر مراسم بازندارند.[۱۴] یا در صلح‌نامه سیستان آمده که اعراب باید از کشتن راسوها خودداری کنند. زیرا در آن دیار افعی زیاد بود.[۱۵]

روایات بلاذری خالی از تعصبات نژادی عرب و عجم نیست، با توجه به دوران حیات او قرن سوم هجری، یعنی زمانی که نهضت شعوبیه شدت گرفته بود. درواقع نوشتن کتبی با مضامین فتوح تا حدودی با انگیزه‌ی تعصبات نژادی بوده است. چنانکه او درکتاب خود اشعاری را ذکر می‌کند که بویی از مسلمانی در آن نیست. بلکه بیشتر تفاخرات قومی و قبیله‌ای را نشان می‌دهد.[۱۶]

جغرافیا در تاریخ

بدون شک فتوح البلدان یک فرهنگ‌نامه‌ی مطمئن برای شناخت اصطلاحات جغرافیایی قدیم است. تلاش بلاذری برای وارد کردن مباحث جغرافیایی در تاریخ، او را به عنوان یک مورخ مبتکر در جهان اسلام قرار

بدون شک فتوح البلدان یک فرهنگ‌نامه‌ی مطمئن برای شناخت اصطلاحات جغرافیایی قدیم است. تلاش بلاذری برای وارد کردن مباحث جغرافیایی در تاریخ، او را به عنوان یک مورخ مبتکر در جهان اسلام قرار داده است

داده است. به گفته روزنتال این بلاذری بود که فرصت‌های چندی برای پای نهادن در عرصه‌ی مسائل جغرافیایی در تاریخ‌نگاری اسلامی فراهم کرد[۱۷] و الگویی برای نویسندگان زمان‌های بعد شد.

ذکر مکان‌ها و رودخانه‌ها که محل نبردهای مسلمین بوده و شناخت این مکان‌های جغرافیایی و عوارض موجود در آن یکی از شاخص‌های مهم در نوشتن کتاب‌های فتوح است. به همین دلیل جغرافیای تاریخی مکان‌ها، بخش مهمی از نوشته‌های بلاذری را دربرمی‌گیرد. بیشترین اطلاعاتی که بلاذری درباره‌ی مسائل جغرافیایی مطرح کرده، مربوط به سرزمین سواد (عراق) است. شاید دلیل اصلی آن، این بوده که عراق زادگاه و محل زندگی او است. او با دقت بسیار به پیدایش شهرهای اسلامی کوفه و بصره توجه نموده و با تفصیل بیشتری نسبت به شهرهای دیگر، بنای سراها، مسجدها، حمام‌ها و حفر نهرهای این دو شهر را در روایات متعدد مطرح کرده است. بنابر این نویسنده‌ای همچون هاشم جعیط در کتاب خود «*کوفه پیدایش شهر اسلامی*» بیش از هر منبعی به نوشته های بلاذری تکیه نموده است.

نویسنده درباره‌ی بصره می‌گوید: «در آن جا ریگ‌ها و سنگ‌های سپید بود. پس گفتند: که آن زمین بصره (ریگستان) است» یا شاید به‌خاطر سستی زمینش بصره گفته‌اند.[۱۸] فتوح البلدان بهترین منبع جهت شناخت جغرافیای تاریخی منطقه «بطائح» یعنی ناحیه باتلاقی جنوب عراق است. یک فصل کتاب به این موضوع اختصاص یافته. مؤلف از اقدامات پادشاهان ساسانی درباره‌ی این زمین‌های باتلاقی صحبت می‌کند که با حمله اعراب و عدم توجه به آن، این‌گونه زمین‌ها گسترش بیشتری یافته و بر دشواری‌های زندگی مردم منطقه افزوده بود. با مطالعه کتاب می‌توان به کثرت نهرها و شاخه‌های فرعی رودخانه های دجله و فرات پی برد. در اصل این نهرها همان کانال‌های کشاورزی بوده‌اند، که در روزگار ساسانیان ساخته شده بودند، مانند نهر ملک، نهر شیلی و... بلاذری تاریخچه و سرنوشت برخی از این نهرها را از عصر ساسانی تا عهد عباسی بررسی نموده، همچنین از پل های بسیاری نام می‌برد، که بر روی این نهرها ساخته شده بود. در دوران اسلامی نیز به‌ویژه دوره‌ی حکومت حجاج‌بن یوسف بر عراق تعداد زیادی کانال و پل جدید ساخته شد.

بلاذری اصطلاحات خاص جغرافیای طبیعی قدیم را به فراوانی بکار برده و حتی آنها را تعریف نموده است، مثلاً «تکوّف به معنی اجتماع... جاهای دایره شکل را که در شنزار پدید آید کوفانی گویند... زمینی را که در آن ریگ و گل و شن بهم آمیزد کوفه نامند.»[۱۹] او داستان‌های عامیانه را درباره برخی نام‌ها و مکان‌ها بیان می‌کند، تا وجه تسمیه آنها را نشان دهد. همانند داستان سه یار همراه از اهل کوفه که گورشان در کنار هم در قزوین قرار داشت. آن منطقه به «گوریاران» معروف شد.[۲۰]

نویسنده آنچه مربوط به گذشته یک شهر است و از دیگران شنیده یا در اسناد روایات دیده ذکر کرده، سپس تغییرات ایجاد شده در شهرها، اعم از ساختن حصار و دیوار، و کندن خندق در دوره‌ی اسلامی را بیان نموده است. لذا بهترین منبع برای شناخت جغرافیای تاریخی برخی از شهرها از جمله شهر ری است. می‌نویسد: به ری در پیش از اسلام «اَرازی» می‌گفتند که به مرور این شهر از بین رفت. اما در سال ۱۵۸ هـ زمان منصور عباسی شهر «محمدیه» در آنجا بنا شد و بعدها این قسمت به ری مشهور شد.[۲۱] بلاذری حتی به اختلافات و مشاجرات ملکی مردم عراق بر زمین‌ها و املاک اشاره دارد. این اختلافات و نزاع‌ها در بصره بیشتر از کوفه بوده شاید دلیل آن حاصلخیزی بیشتر سرزمین بصره نسبت به کوفه باشد. او حتی گیاهان خاص هر منطقه را نام می‌برد. از جمله سنبل دشتی، اقحوان و خاراگوش و قیصوم و شقایق که اطراف کوفه رشد می‌کرد. همچنین وجه تسمیه برخی از اماکن یا منازل آن‌گونه که از روایات مختلف شنیده بود، بازمی‌گوید. مثلاً درب یکی از مساجد کوفه که به باب‌الفیل معروف بود.

در نوشته‌های بلاذری اطلاعات فراوانی از جغرافیای نواحی اطراف هند و مرزهای شمال غربی آن کشور می‌توان یافت. او به آداب و رسوم هندی‌ها و مراسم مذهبی بت‌پرستان آن مناطق اشاره دارد. همچنین ذکر می‌کند که برخی از شهرها در نواحی اطراف هند بوسیله مسلمانان بنا شده است. از جمله این شهرها منصوره است.[۲۲] روی هم رفته در زمینه جغرافیای تاریخی فتوح‌البلدان منبع اصلی برای نوشتن جغرافیای سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران و عراق است. چنانکه لسترنج در کتاب خود«*جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*» به فراوانی از آن بهره گرفته است.

کتاب بلاذری بهتر از هر منبعی به موضوع دهقانان پرداخته و از نوشته‌های او می‌توان به قدرت و اهمیت دهقانان در اواخر عصر ساسانی پی برد. او اسامی بسیاری از این دهقانان را آورده و نشان می‌دهد که چگونه آنان به‌راحتی تسلیم سپاه اسلام شدند، و حاضر به پرداخت جزیه

در زمینه جغرافیای تاریخی فتوح‌البلدان منبع اصلی برای نوشتن جغرافیای سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران و عراق است. چنانکه لسترنج در کتاب خود«جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی» به فراوانی از آن بهره گرفته است

فتوح البلدان

گردیدند. یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب این است که در پایان هر بابی که تحولات آن سال تمام می‌شود، ذکر می‌کند که این همه در سال فلان هجری رخ داده، لذا خواننده می‌داند، که حوادثی که در باب بعدی آمده متعلق به سال بعد است. در مواردی تاریخ دقیق رویدادها را نقل نموده، برای مثال در مورد نبرد پل (یوم الجسر) می‌نویسد: روز شنبه در آخر ماه رمضان سال سیزدهم هجری رخ داد.[۲۳]همچنین فاصله زمانی بین رویدادها را هم مشخص کرده، چنانکه جنگ قادسیه را ۱۸ ماه پس از جنگ مهران می‌داند. بلاذری اگر جایی روایتی را شنیده که با عقل جور درنمی‌آید به‌صراحت رأی به بطلان آن داده، اما آن روایت را ذکر و در پایان آن، روایت صحیح را هم مشخص می‌کند. چنانچه در جایی می‌نویسد «گویند مردی به مردمان چنان می‌نمایاند که پیلی را بر دوش حماری نهاده از آن درب (باب الفیل) برون می‌کرد.» اما بلافاصله می‌نویسد: « اما این سخن باطل است.» [۲۴]

با وجود تمام خصوصیات مثبتی که کتاب بلاذری دارد این کتاب خالی از ایراد نیست. او در بخش‌هایی از کتاب خود از گروه‌هایی نام می‌برد که در ارتباط با آن‌ها هیچ‌گونه توضیحی نمی‌دهد. من‌جمله از طالبیان که در طبرستان ظهور کرده بودند. البته ما می‌دانیم که منظور او از طالبیان همان علویان طبرستان است. یا برخی کلمات را به‌کار برده بدون اینکه مفهوم آن‌ها را بیان کند، مثلاً واژه «زینستان» که در چند مورد آن را بکار برده، بدون اینکه منظور خود را از آن بیان کند. مترجم محترم زینستان را انبار تسلیحات ایرانیان یا خزانه‌ی سلاح‌های ساسانیان معرفی کرده است.[۲۵]

در بعضی موارد بلاذری مطالب را تکرار نموده و این باعث خستگی خواننده‌ی کتاب می‌شود. برخی از راویان او موثق نیستند و نمی‌توان به گفته‌های آن‌ها اعتماد کرد. یکی از این راویان سیف‌بن عمر تمیمی است. کسی که هم بلاذری و هم طبری به گفته‌هایش استناد کرده‌اند. امروزه محققان بر این هستند که سیف‌بن عمر از افسانه‌سرایان بزرگ عرب بوده و نمی‌توان به روایات او اعتماد کرد. [۲۶]

نتیجه: با آن‌که عنوان کتاب بلاذری فتوح البلدان است و خواننده بیشتر تصور تاریخ نظامی فتوحات مسلمانان را در ذهن خود تداعی می‌کند، اما این کتاب مجموعه‌ی کاملی از تاریخ سیاسی فرهنگی و اقتصادی و جغرافیای تاریخی از متصرفات اسلامی در قرون اولیه هجری و حتی پیش از اسلام را به خواننده‌ی عرضه می‌کند.

پی‌نوشت:

۱- البلاذری، احمدبن یحیی؛ **فتوح البلدان** *بخش مربوط به ایران*، ترجمه دکترآذرتاش آذرنوش؛ تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶. ص ۱۵ مقدمه مترجم.

۲- همان، ص ۱۷ مقدمه مترجم.

۳- ابن ندیم، محمدبن اسحاق بن ندیم؛ **الفهرست**، ترجمه و تحشیه محمدرضا تجدّد، چاپ اول؛ تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱، ص۱۸۶.

۴- حلبی، علی اصغر؛ **تاریخ تمدن اسلامی**؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۲؛ ص ۳۷۵.

۵- البلاذری، پیشین، ص ۲۵ مقدمه مترجم.

۶- همان، ص ۳۶.

۷- همان، ص ۵۴.

۸- ابن‌خلدون، عبدالرحمن؛ **العبر تاریخ ابن خلدون**، ترجمه عبدالمحمد آیتی جلد اول، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ ۱۳۶۳؛ص ۵۰۹.

۹- البلاذری، پیشین، ص ۱۶۴.

۱۰- همان، ص ۷۱.

۱۱- همان، ص ۴۴.

۱۲- همان، ص ۲۳۸.

۱۳- نمان، ص ۸۰.

۱۴- همان، ص ۱۶۱.

۱۵- همان، ص ۲۸۱.

۱۶- همان، ص ۶۲.

۱۷- روزنتال،فرانتس؛ **تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام**؛ ترجمه دکتر اسدالله آزاد، چاپ دوم؛ تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی؛ ۱۳۶۶، ص ۱۲۷

۱۸- البلاذری، پیشین، ص ۱۹۴.

۱۹- همان، ص ۷۹.

۲۰- همان، ص ۱۶۰.

۲۱- همان، ص ۱۵۰.

۲۲- همان، ص ۳۳۵.

۲۳- همان، ص ۵۰.

۲۴- همان، ص ۹۴.

۲۵- همان، ص ۳۶.

۲۶- عسکری، مرتضی؛ **عبدالله بن سبا و دیگر افسانه های تاریخی**؛ چاپ پنجم، مجمع علمی اسلامی، ۱۳۷۵.